



سال یازدهم / پاییز ۱۴۰۱

واکاوی تطبیقی نقش سیاسی اجتماعی روزنامه‌ها در عصر مشروطیت (مطالعه موردی: مقاله‌ها و سرمقاله‌های روزنامه روح‌القدس و صوراسرافیل)^۱

• رامین رسول اف^۱، کرامت الله راسخ^۲، علیرضا بیابان‌نورد سروستانی^۳

DOR: 20.1001.1.38552322.1401.11.44.7.5

چکیده:

روزنامه‌های انقلابی در جریان انقلاب مشروطیت نقش تعیین‌کننده ایفاء کردند. دو روزنامه روح‌القدس و صوراسرافیل در میان این روزنامه‌ها برجسته هستند. روزنامه روح‌القدس در مجموع ۷۳ سرمقاله، مقاله، مکتوب چاپ کرد که از میان آن‌ها ۵۹ سرمقاله و مقاله، جنبه‌ی انتقادی داشت؛ به عبارت دیگر، ۸۰ درصد از مطالب روزنامه، انتقادی بود. انتشار روزنامه صوراسرافیل از پیروزی انقلاب مشروطیت شروع شد و تا کودتای محمدعلی شاه قاجار به طول انجامید. در این مدت تعداد ۳۲ شماره از این روزنامه منتشر شد. پژوهش حاضر با نگاهی به نقش مطبوعات در انقلاب مشروطیت، درصدد بررسی و بیان نقش این روزنامه در افزایش آگاهی مردم است. روش تحقیق این پژوهش تحلیل محتوا است. محتوا این دو روزنامه با توجه به اهداف این دو نشریه تجزیه و تحلیل می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان داد که این دو نشریه در جریان انقلاب مشروطه، با ترویج افکار آزادی‌خواهانه و انتقاد از نظام استبدادی سهم قابل‌ملاحظه در تحولاتی ایفا کردند که به «انقلاب مشروطیت» در ایران شهرت دارد.

کلید واژگان: «روح‌القدس»، «صوراسرافیل»، «نقش سیاسی اجتماعی»، «انقلاب مشروطیت»، «ایران»

۱ دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، پردیس علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران و گروه علوم ارتباطات، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران؛ ramin257@yahoo.com
۲ دانشیار جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (نویسنده مسئول)؛ krasekh@gmail.com
۳ استادیار علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران؛ bhya1979@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

وظیفه مطبوعات شکل دادن به افکار عمومی، هدایت و جهت‌دهی مردم، تصویرسازی ذهنی و قالبی در مردم، اطلاع‌رسانی و خبررسانی، بالا بردن آگاهی جامعه و کمک کردن به آن‌ها در سازمان‌دهی اوقات فراغت است (مولانا، ۱۳۵۸: ۱۱۱-۱۲۹) (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳-۱۱۵) (خانیکی، ۱۳۸۱: ۲۶-۴۰). مطبوعات، همزمان با آغاز عصر جدید در تاریخ بشر ظاهر و بر تغییر ساختار حوزه عمومی در جوامع مغرب زمین تأثیر بنیادی گذاشتند (هابرماس، ۱۳۹۲: ۲۴-۵۸). مطبوعات در واقع پاسخی بودند به نیازهای محافل ادبی با عنوان «کانون‌های مطالعاتی»^۱ که از اواخر قرن ۱۸ به تدریج در جوامع اروپایی شکل گرفتند. مطبوعات به شکل‌های گوناگون قبل این تاریخ وجود داشت، لیکن آن‌ها با تشکیل این محافل رونق یافتند و به عصر جدید وارد شدند، به طوری که بسیاری به خواندن روزنامه «معتاد» شدند؛ بنابراین، مطبوعات با وجود این محافل نه فقط رونق پیدا کردند، بلکه از نقش سیاسی و اجتماعی برخوردار شدند (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۹۳). چهار گروه از عوامل، از دیدگاه پیر آلبر و فرناندو ترو، بر این تحول نقش تعیین‌کننده داشتند: الف - عوامل سیاسی و اجتماعی مانند پیشرفت پارلمان‌تاریسم، وسعت و افزایش زمینه‌های انتخاباتی و اساساً توجه وسیع عموم به امور سیاسی، تعمیم آموزش و رشد شهرنشینی؛ ب - عوامل اقتصادی مثل صنعتی شدن روش‌های تولید و تهیه مطبوعات؛ ج - عوامل فن از قبیل تحول در فن‌های صنعت چاپ، حمل‌ونقل، دریافت و انتقال اطلاعات؛ د - تولد خبرگزاری‌ها و آژانس‌های خبری (آلبروترو، ۱۳۶۴: ۵۳-۹۶) (معتد نژاد، ۱۳۷۰: ۱۶۰-۱۷۰).

آشنایی ایرانیان با مطبوعات از اوایل قرن نوزدهم و با آشنایی و تماس آن‌ها با جوامع غربی آغاز شد. میرزا صالح شیرازی که در دهه دوم قرن نوزدهم برای تحصیل به انگلستان سفر کرد، در آن سرزمین صنعت چاپ آموخت تا مسبب تأسیس نخستین روزنامه ایرانی شود. او ناچار شد نزدیک دو دهه منتظر چنین فرصتی باشد تا برای نخستین بار در دهه ی چهارم قرن نوزدهم در عصر محمدشاه قاجار «روزنامه»^۱ منتشر کند (راسخ، ۱۳۹۸: ۶۷-۹۳). اهمیت مطبوعات در ربع آخر قرن نوزدهم افزایش یافت. در این دوران روزنامه‌های ملی و مستقل زیادی توسط روشنفکران انقلابی عمدتاً در خارج کشور چاپ شدند. این گونه روزنامه‌ها از قبیل «قانون»، «عروه الوثقی» و «حبل‌المتین» درگیر مبارزه سیاسی با دربار قاجار شدند. این چالش

و رویارویی سرانجام به تأسیس مجلس قانون‌گذاری و به رسمیت شناخته شدن آزادی‌ها همچون آزادی مطبوعات توسط قانون شد (مولانا، ۱۳۵۸: ۹۴-۱۴۸) (بشیر، ۱۳۸۸: ۱۸۰). با پیروزی انقلاب مشروطیت، نقش اجتماعی و سیاسی مطبوعات افزایش یافت. دو روزنامه روح‌القدس و صوراسرافیل در میان روزنامه‌های انقلابی و مخالف، نقش آگاهی دهنده و روشنگر ایفا کردند. ما در این پژوهش در صدد مطالعه تطبیقی محتوای این دو روزنامه با طرح این چند پرسش زیر هستیم:

- تأثیر روزنامه روح‌القدس در آگاهی مردم و تحریک آن‌ها برای حمایت از انقلاب مشروطیت در مقابل دستگاه دیوانی مخالف آن تاچه میزان بود؟
- تأثیر روزنامه صوراسرافیل در آگاهی مردم و تحریک آن‌ها برای حمایت از انقلاب مشروطیت در مقابل دستگاه دیوانی مخالف آن تاچه میزان بود؟
- آیا نقش این دو روزنامه در مقایسه با یکدیگر متفاوت بود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا، طبقه‌بندی، تلخیص، تحلیل، تفسیر و نتیجه‌گیری از نوشته‌ها، اعلامیه‌ها، کتاب‌ها، نشریات عمومی یا دولتی، پیام‌های رادیو و تلویزیون و سخنرانی‌ها به منظور پی بردن به تمایلات، خط‌مشی‌ها، نظرات و عقاید گوینده، نویسنده یا سازمان موردبررسی است (کرپیندورف، ۱۳۸۳: ۲۵). برای تحلیل محتوای روزنامه روح‌القدس و صوراسرافیل، ابتدا کلیه سرمقاله‌ها، مقاله‌ها و مقاله‌های این دو روزنامه ارزیابی شد؛ به این ترتیب که موضوع‌های درج‌شده در ۳۲ شماره صوراسرافیل که دربرگیرنده همه سرمقاله‌ها، مقاله‌هاست، بررسی شد. روزنامه روح‌القدس از تاریخ ۲۵ جمادى‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری مطابق با ۱۲ مرداد ۱۲۸۶ شمسی آغاز و به تاریخ ۱۷ جمادى‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری مطابق با ۲۷ خرداد ۱۲۸۷ شمسی خاتمه یافت؛ در این بازه زمانی جمعاً ۲۸ شماره از این نشریه منتشر شد. پنج سبک مطلب در این دو روزنامه از یکدیگر متمایز گردید: ۱. سرمقاله ۲. مقاله ۳. مکتوب‌های ارسالی ۴. مقاله‌های تکمیلی تحت عنوان (روح‌القدس) ۵. اعلان. اولین مقاله هر شماره‌ی روزنامه به عنوان سرمقاله در نظر گرفته شد. مقاله شامل مطالبی است که دربرگیرنده نقطه نظرات شخصی نویسنده در قبال موضوع، شخص و یا رویداد خاصی باشد. منظور از مکتوب‌های شهری، نامه‌هایی است که از مناطق مختلف کشور به دفتر روزنامه ارسال می‌گردید و روزنامه این قبیل نامه‌ها را تحت عنوان مکتوب شهری چاپ می‌نمود. روح‌القدس

همچنین مقاله‌هایی انتقادی و تحلیلی تحت عنوان «روح‌القدس» به چاپ می‌رساند که این مقاله‌ها، نشان‌دهنده‌ی نظرات تکمیلی، تحلیلی و انتقادی روزنامه پیرامون محتوای مطالب مکتوب‌های ارسال شده به دفتر روزنامه بود. سرانجام، منظور از اعلان، مطالبی است که بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی و باخبر ساختن مردم را داشتند. مطالب این دو روزنامه با استفاده از این روش و تمایز تحلیل محتوا شدند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گسترده‌ای در باره انقلاب مشروطیت و نقش مطبوعات در این تحول اجتماعی سیاسی تاکنون انجام شده است. ما به دلیل محدود بودن فضای موجود، فقط به تعداد اندکی از آن‌ها در اینجا اشاره می‌کنیم.

- بدیعی (۱۳۷۷)، در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل محتوای ۱۰ روزنامه تهران» کلیه^۲ مطالب چاپ شده در ۱۰ روزنامه تهران شامل ابرار، اطلاعات، تهران تایمز، جمهوری اسلامی، جهان اسلام، رسالت، کیهان، کیهان اینترنشنال و همشهری را در سال ۱۳۷۳ مورد بررسی و تحلیل قرار داد. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان داد تهیه گزارش، مقاله، تفسیر و اظهار نظر در مورد رویدادها امری است که در روزنامه نگاری کشور اهمیت لازم را پیدا نکرده است.

- محسنیان راد (۱۳۷۵) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای ارزش‌های القا شده در سرمقاله‌های روزنامه‌های مشروطیت و روزنامه‌های ابتدای انقلاب اسلامی» نتیجه گرفت که در حالی که در انقلاب مشروطیت ۲/۱ درصد از ارزش‌های مثبت معطوف به غرب بوده ولی در انقلاب اسلامی چنین موردی دیده نشده است. از سوی دیگر در انقلاب اسلامی، ارزش‌های مثبت در مورد مناطق کشور و اقوام ایرانی (کردستان، آذربایجان و...) دیده شده که در انقلاب مشروطیت چنین چیزی مشاهده نشده است.

- حاجیلری (۱۳۷۶)، به بررسی تطبیقی ارزش‌های اجتماعی مردم ایران در مطبوعات ایران در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵ پرداخته است. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان داد که همه^۳ روزنامه‌های مورد بررسی در این پژوهش (کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، همشهری و سلام) با تغییراتی مواجه بوده و در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۰ از میزان انعکاس مقولات ارزشی، دینی، مذهبی، مبارزه، شهادت، انقلاب و انقلابی‌گری، معنویت، عبادت، ریاضت طلبی و دنیا‌گریزی و حمایت از مظلومان جهان کاسته شده و بر مقوله‌های

- سازندگی و پیشرفت اقتصادی، اخلاقی و رفتار اسلامی و اجتماعی، استقلال سیاسی و فرهنگی، وطن دوستی و صفات ملی، رفاه و آسایش افزوده شده است.
- بهرام پور (۱۳۷۹)، در مقاله غیرسازی در نشریات حزبی، نقش و جایگاه هر یک از نشریات حزبی را در طرح مسایل و موضوعات اساسی جامعه، مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفت که هر یک از نشریات حزبی مورد بررسی در طرح موضوعات حاد سیاسی از یک گفتمان ثابت پیروی کرده و تمامی مطالب و موضوعات سیاسی مورد بحث را در آن چهار چوب منتشر کرده اند.
- بروجردی علوی (۱۳۷۹) در رساله^۲ دکترای خود تحت عنوان «مطبوعات، روشنفکران و جامعه-بررسی نقش عوامل سیاسی، اجتماعی بر حضور نخبگان در مطبوعات» نشان می‌دهد که در شرایط انبساط سیاسی و وجود آزادی، روشنفکران، عرصه مطبوعات را تجلی گاه نقد و چالش خود قرار می‌دهند و از حاشیه به متن می‌آیند به طوری که در سال‌های ۱۲۸۵، ۱۳۳۱ و ۱۳۳۷ به دلیل وجود فضای باز سیاسی و آزادی، شاهد تعدد مطبوعات منتقد نسبت به قدرت و حضور روشنفکران در عرصه مطبوعات هستیم و در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۵۴ مطبوعات، غیر سیاسی و روشنفکران، گوشه نشین شده اند.
- تیموری (۱۳۸۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تحلیل محتوای پوشش رسانه‌ای بحران افغانستان» جمعاً ۳۲۸ شماره از روزنامه‌های مذکور را با استفاده روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که روزنامه^۳ حیات نو با ۲۶/۸ درصد فراوانی، بیشترین پوشش خبری را به خود اختصاص داده است. روزنامه^۴ نوروز با ۲۶/۴ درصد و روزنامه^۵ جمهوری اسلامی با ۲۶ درصد و روزنامه کیهان با ۲۰/۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند
- فدائی (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان «روزنامه مجلس، نخستین روزنامه ملی دوران مشروطیت» اهمیت این روزنامه را در انعکاس تحولات مجلس پس از به توپ بسته شدن آن، فرمان مظفرالدین شاه مبنی بر تأسیس روزنامه، زندگی سیاسی اجتماعی مدیر و سردبیر روزنامه را مورد بررسی قرار داده است. همچنین در این تحقیق مشخصات روزنامه به تفکیک هدف، موضوع، سادگی، دوره^۶ تناوب، حق اشتراک، مبادله، نمایندگی و نحوه^۷ مکاتبه آورده شده است.

مبانی نظری تحقیق

نقش رسانه‌ها در دگرگونی و تحولات اجتماعی موضوع تعمق‌های نظری گوناگون بوده است. دانیل لرنر در اثر مشهور خود «گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه»، پس از مطالعه در خصوص شش کشور ایران، مصر، ترکیه، سوریه، لبنان و اردن و به دنبال ۱۶۰۰ مصاحبه انجام‌شده با افراد گوناگون، نظریه‌اش درباره روند نوسازی در این کشورها و دیگر کشورهای مشابه جهان سوم ارائه کرد. او طی مشاهداتش دریافت که در این نوع کشورها سبک زندگی مدرن به تدریج جایگزین سبک زندگی سنتی می‌شود (لرنر، ۱۹۵۸). سه عامل شهرنشینی، سوادآموزی و رسانه‌های جمعی در این تحول نقش تعیین‌کننده دارند (شرام، ۱۹۶۴). از این رویکرد نظری می‌توان در تحلیل رخدادهای ایران در قرن نوزدهم استفاده کرد. نظریه لرنر حاوی دو طرح کلی تاریخی و روان‌شناختی است. طرح تاریخی تبیین‌کننده فرایند تغییر با سه شاخص شهرنشینی، سوادآموزی و گسترش رسانه‌ای است. رسانه‌ها از دیدگاه او در مرحله سوم و پس از گسترش شهرنشینی و سوادآموزی قرار دارد. بنابراین، در مرحله‌ی سوم است که جامعه به دلیل توسعه پیشرفته صنعتی‌اش دست به تولید رسانه‌های جمعی همچون روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون می‌زند. به تعبیر او این شرایط به نوبه خود باعث سرعت گرفتن بیشتر گسترش سواد در جامعه می‌شود. نتیجه آنکه نهادهای مشارکتی شروع به خود نمایی می‌کنند که این امر نهایتاً منجر به توسعه کامل جامعه که در جهت منافع همگانی است می‌گردد (لرنر، ۱۹۵۸).

قلمرو پژوهش

الف: روزنامه روح‌القدس

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مطبوعات دوره مشروطیت، روزنامه روح‌القدس هست که توسط شیخ احمد تربتی منتشرشده است. اطلاع‌چندانی از زندگی و روزگار جوانی و کودکی و تحصیل شیخ احمد تربتی، معروف به سلطان‌العلمای خراسانی و مشهور به روح‌القدس بر جای نمانده است. وی در تربت‌حیدریه متولد شد و تا سن ۲۹ سالگی به تحصیل زبان عربی، ادبیات و علوم اسلامی و علوم رایج زمان پرداخت و استادان او، پدر و روحانیون و علمای محلی در تربت و نواحی مجاور بودند (قاضی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۲). سپس به تهران آمد و در مدرسه صدر به صورت طلبگی زندگی کرد. وی در کشاکش انقلاب مشروطه، روزنامه‌نگاری فعال و آگاه بود و بی‌پروا حقایق را می‌نوشت و با نهایت شهامت بر سر عقاید خود ایستادگی می‌کرد. روح‌القدس جنبه

انتقادی شدیدی داشت و بی‌پروا از مظالم عوامل وابسته به استبداد و حتی شخص شاه به‌روشنی یاد می‌کرد و با واپس‌گرایی و تاریک‌اندیشی، به مبارزه بر می‌خواست (کهن، ۱۳۶۲:۱۳۶).

اولین شماره‌ی روزنامه روح‌القدس زمانی منتشر شد که فرمان مشروطیت صادر و قانون اساسی تدوین و تصویب شده و مجلس شورای ملی که یک نهاد دموکراسی در نظام مشروطه می‌باشد تأسیس شده بود، بنابراین روح‌القدس از همان مقاله‌ی افتتاحی نخستین شماره‌ی روزنامه به فواید و ویژگی‌های نظام مشروطیت پرداخت: «این ایام که دولت ایران در عداد دول کنستی توسیون معدود و صاحب مجلس پارلمان است قلم و زبان هم به گمانان آزاد است بر هر فردی از افراد دانشمندان ایرانی نژاد لازم و واجب است که به‌توسط زبان و قلم [،] مساعی خودشان را مبذول دارند و از خدمات و وظایف نسبت به ملت و دولت مضایقه نمایند. شاید به همت کامله ارباب همت و غیرت این دولت ویران که نامش ایران است از حسیض ذلت به اوج عزت عروج نماید... نام ایران و ایرانیان که مایه‌ی افتخار تمام دول بوده مثل پیش‌تر از زمان بلند شود و بیش‌ازین اهالی سایر دول [،] ما اهالی ایران را در زمره‌ی وحشیان محسوب ندارند و ما را همچون خودشان در شماره متمدنان بشمارند...» (روح‌القدس، شماره اول، دوشنبه ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری، ص ۱).

در سرمقاله شماره چهاردهم روح‌القدس به مقایسه مشروطیت و استبداد می‌پردازد و بر این عقیده است که مشروطیت، روح اسلامیت است که حافظ و نگهبان حقوق مسلمین است: «تغییر احکام الله ناشی نمی‌شود مگر از استبداد که عبارت از شهوت‌رانی نفسانی و تزییع حقوق هم نوع خود است پس استبداد است که مسلمان را در زمره خوارج داخل می‌کند- به واسطه استبداد است که مقابله با مستبدین واجب می‌شود- مسلم مستبد را نمی‌توان مسلمان نامید جهت آنکه مستبد تزییع حقوق مسلمین را می‌نماید دفع مضیع حقوق مسلمین بر هر مسلم واجب است- این زمان که گوهر شب چراغ مشروطیت که روح اسلامیت است از پس پرده‌های ظلمانی استبداد ظاهر شده [و] حافظ و نگهبان حقوق مسلمین است بر هر مسلم لازم است که اساس او را تشییید و مستحکم نماید- کسانی را که جهت شهوات نفسانی درصدد تخریب این اساس مقدس برآمده‌اند دفع و قمع نمایند و نهال مشروطیت را از شر خار و خاشاک محافظت نمایند» (روح‌القدس، شماره چهاردهم، پنجشنبه ۲۷ ذیقعد ۱۳۲۵ هجری قمری، ص ۱).

موضوع دیگری که روح‌القدس در کنار استبداد و مشروطیت، به آن می‌پرداخت، دلایل و علت استقرار نظام استبدادی است. ناگاهی مردم در میان این دلایل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است: «علت ذلت دولت و خرابی مملکت آن است که مردم عالم به حقوق انسانیت خود نیستند [۱] بر فرض عالم بودن [۱] قدرت بر مطالبه حقوق خود ندارند. شخص دولت هم ملاحظه حقوق رعیت را نمی‌نماید یا ایشان را دارای حقی نمی‌داند» (روح‌القدس، شماره اول، ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری، ص ۱). روح‌القدس برای آگاهی مردم به حقوق خود توصیه می‌کند: «اولاً مردم باید خود را دارای حقوقی در این خاک بدانند و این خاک را وطن عزیز خود بشمارند و خودشان را مسئول این خاک پاک بدانند. ثانیاً باید مردم شخص سلطان را هم مثل خودشان یکی از افراد انسان در اعضا و جوارح علی‌الخصوص خیال کنند و شخص سلطان را بر فرض تصدیق بر مقدمات [۱] دارای حقوقی بر خودشان بدانند و خودشان را هم دارای حقوقی بر شخص سلطان بشمارند. نه اینکه سلطان را مالک الرقاب و خود را عبد رق او بدانند که به هر چه اراده او تعلق بگیرد تمکین صرف نباشند و قادر بر مطالبه حقیقت و بطلان مطلب نباشند...» (روح‌القدس، شماره اول، ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری، صص ۱-۲). روح‌القدس در ادامه معتقد است که یکی از اهداف مهم بعثت پیامبر اکرم (ص) این بوده که نوع بشر را به حقوق خود آشنا نماید و نتیجه می‌گیرد که بهترین وسیله برای رسیدن به علم حقوق بشریت، دانستن فواید مشروطیت است: «حضرت ختمی مرتبت غرضی نداشت جز اینکه اولاً ذات حضرت احدیت را به نوع بشر بشناساند [۱] دوم نوع بشر را عالم به حقوق خودشان نماید یعنی به آن‌ها بفهماند که هیچ‌کس حق ندارد بدون حق شرعی [۱] حق دیگری را تصرف نماید [۱] پس معلوم می‌شود هرکس از حدود عدل تجاوز نموده یعنی غاصب حق دیگری بشود یا حقوق نوع را پامال نماید در دنیا و آخرت معذب و جزا داده خواهد شد و چون آن حضرت می‌دانست که بدون علم [۱] ره بردن به این چشمهٔ عدل و انصاف محال است لهذا فرمود (طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ) و نیز فرمود (أَطْلُبُ الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ) زیرا به واسطه علم است که می‌توان به حقایق و دقائق اشیا [پی] برد [۱] از آن رو بسیاری از مرموزات عالم را منکشف نموده [۱] خرافات هر جاهل مغرض را وحی مُنَزَّل و قول بنی مُرْسَل تصور نکرد و به گفتهٔ هر بیخردی در پی ادیان باطله نیفتاد [۱] چون ما ملت ایران و مذهب اسلام کلیتاً در تمام امور [۱] فرمایشات آنحضرت را باید سرمشق قرار داده از آن رو رفتار نمائیم و چون اقدام از تمام علوم [۱] دانستن فواید حفظ حقوق بشریت است به‌طور عموم و اسلام به‌طور خصوص لهذا

این بنده... بر خود لازم شمرد که حتی‌الامکان برادران وطنی و ملی خود را به این علم آشنا نماید [۱] بهترین وسایل رسیدن به این علم [۲] دانستن فواید مشروطیت است (که در واقع مبنای دین مبین اسلام بر روی این پایه قرار داده شده است)...» (روح‌القدس، شماره دوم، ۴ رجب ۱۳۲۵ هجری قمری، ص ۴).

استبداد، همانطور که قبلاً اشاره شد، از موضوعات مهم مطرح در روزنامه روح‌القدس است. مطالب مربوط به استبداد در روزنامه روح‌القدس به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست، مطالب در باره مفهوم استبداد و دوم، مطالب در باره مستبدین. او در باره معنای استبداد می‌نویسد که «باید دانست که استبداد چیست؟ و سلطنت مستبده کدام؟ و چگونه استبداد تقسیم و سلطنت تجزیه شده است- استبداد [۳] خودرانی در اخذ منافع شخصی و طرح منفعت نوعی است- سلطنت مستبده تسلط یک نفر است بر عرض و ناموس ملت و شهوت‌رانی نفسانی بهای وَجْهِ کَانَ بر خون و مال رعیت. این مکروب خانه برانداز در هر خانمانی تولید شد خانمان‌ها خراب و دودمان‌ها به باد فنا داد- این مالیخولیا به هر کله و دماغ که راه یافت عاقبت صاحبش را مسلوب‌العقل و از مرکب حیات پیاده نمود- این مرض بدتر از طاعون و وبا [۴] به هر مملکت رحل اقامت افکند اهل آن مملکت را مانند زمین کویر لم یزرع و از حاصل ثروت علم و دانش عری و بری ساخت- مملکتی خراب و ویران نشد مگر از نتیجه استبداد- اهل مملکتی ذلیل و بیچاره نگشت مگر از نکبت استبداد- ملتی از درجه حیوانیت به رتبه انسانیت نرسید مگر به اضمحلال قوه استبداد- دولتی جاده ترقی را رهسپار نگردید مگر به انهدام قلعه استبداد- ممکن نیست که مستبد به آتش استبداد کانونی و درونی خرمن هستی خود و ابنای وطن مملکتی را نسوزاند- ممتنع است صاحب این مرض مهلک [۵] خواه معمم و خواه مکلا [۶]، سری به سلامت بیرون برده عاقبت گرفتار انتقام منتقم حقیقی نشود. علت کلی تقسیم این ماده خبیثه؛ و سبب اصلی تسهیم این صفت رذیله همان بوده که ما ملت بدبخت بعد از استرداد حقوق مغضوبه و درک مشروطه؛ به واسطه قلت علم و کثرت جهل که از دیرگاهی بر وجود ما مستولی شده بود؛ فواید این امر بزرگ که سایر ملل را به اعلا درجه اعتلا رسانید ندانسته؛ بجای آنکه از همان طریق که سایر اُمم سیر کردند حرکت کنیم؛ رجعت قهقراپی نموده سر از بستر غفلت برداشته عوض رفع جهالت و غفلت و کسب علم و صنعت [۷] مجدداً به خواب جدیدی فرو رفتیم؛ اشخاصیکه صفت ظلم و استبداد در نهادشان نهفته و مترصد وقت بودند؛ که خباثت فطری و رذالت جبلی خودشان را ظاهر سازند؛ این غفلت ما را فوزی عظیم و نعمتی بزرگ شمرده، در فکر جمع‌آوری این ماده خبیثه که بعد از حرکت

وهله اول ملت متلاشی و مثل جراد منتشر در هر سمت پراکنده شده بود افتادند و بعد از زحمات زیاد مراجعت داده بنا بر نکته (كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ) در مراکز اولیه‌اش که مختص دو فرقه بود قرار دادند، از این ذهاب و ایاب ترقیات محیرالعقول کرده یک صفت خودسری ملوک الطوائفی هم به خود ملحق و ضمیمه نمود- یکی از آن دو قسمت که اختصاص به شاه و چند تن از خاصانش داشت و بدون لیاقت و استعداد به احدی داده نمی‌شد، به چند نقاط معظم تقسیم شد و به هر بی‌سروپا و حمالی که در اداره دولت مستخدم بود بهره و قسمتی رسید، قسمتی در وزارتخانه‌ها تسهیم و به چندین هزار شعبه منشعب کوچک و بزرگ و وضع و شریف را از خود راضی و سرافراز نمود، قسمتی هم در ادارات حکومتی [۱]، چه پایتخت [۱]، چه ولایات تقسیم و به هزارها شعبات متعدده منشعب و جزؤ جزؤ را از خود محفوظ و برخوردار کرد، قسمتی دیگر وجود نابود خائنین و مستبدین اطراف اعلی حضرت را ملاقات کرد و ما بین آن‌ها تقسیم و تسهیم شد، این بدبختان نیز دست از آستین تعدی برآورده آنچه وسع طاقتشان است اسباب صدمه جانی و مالی ملت را فراهم می‌نمایند، رئیس این فرقه خائنین و امیر این زمره شیاطین که فرد فردشان از دودمان استبداد و بدتر از فرعون و شدادند همانا حسین پاشای امیر بهادر هست که در قبایح اعمال و فضایح افعالش کتابی جداگانه لازم است.» (روح‌القدس، شماره ۲۰، ۱۳ صفر ۱۳۲۶ هجری قمری، صص ۱-۳).

نظام حکومتی و ساختار قدرت، از موضوعات دیگر روزنامه روح‌القدس است. نظم اجتماعی و سیاسی با استقرار نظام مشروطیت بر قرار نشد، بلکه دستگاه دیوانی در منجلاب هرج و مرج اجتماعی و سیاسی غرق شد: «الان وطن عزیز ما را نمی‌توان مشروطه گفت [۱]، نمی‌توان جمهوری گفت [۱]، نمی‌توان مستقله گفت [۱]، باید هرج و مرج و ملوک الطوائف خواند [۱]، امروز با صدای رسا فریاد می‌زنم‌ای ملت مظلومه [۱]، ای عقلای وطن عزیز [۱]، ای مشروطه طلبان حقیقی [۱]، ای عدالت خواهان واقعی [۱]، مگر غرض از تحمل این همه صدمات و خسارات جز رفع ظلم و نشر عدل بود [۱]، مگر مقصود از خواستن مشروطه غیر از برچیدن بساط استبداد و انبساط اساس عدل و داد است- اگر قلع و قمع ظلم و استبداد را خواهان و نشر عدل و داد را خواستار بودید دانسته و آگاه باشید که این شجره خبیثه [۱]، ریشه خود را در اعماق مملکت دوانیده و به اضاف مضاعف زیادت‌ر شده و ابداً علامتی از مشروطیت و قانون و محدودیت در کار نیست، ظلم و استبداد و جور و اعتساف به اضافه و الحاق سلطنت در همان دو طبقه [اسلاطین- علماء سوء] که در ازمنه سابقه معدود بودند امروز که اعدادشان از ستارگان آسمان بیشتر شده

باقی و برقرار است [۱]، اگر آن وقت فشارش یکقدری خفیف‌تر بود امروز هزاران درجه ثقیل‌تر است. اگر آن وقت به اسم یک نفر سلطان آن همه ظلم و ستم به ملت می‌رسید [۲]، امروز به حکم چندین هزار شاه مکلا و معمم سرخود به ما می‌رسد. اگر آن وقت یک نفر صدراعظم مستبد داشتیم امروز چندین وزیر مستبد داریم! اگر آن وقت معدودی امیر مستبد ظالم داشتیم امروز هزاران امیر خائن ظالم داریم! اگر آن وقت حکام از مقصر شدن و مغضوب گردیدن.... ترس داشتند امروز بعد از کثرت خیانت [۳] به وزارت و ریاست مفتخرند! اگر آن وقت حکام به دربار یک نفر پادشاه رشوه و پیشکشی می‌دادند امروزه از آن دربار قطع شده [۴]، به دربارهای متعدده.... می‌رسد- اگر آن وقت قلیلی معمم مستبد داشتیم امروز ماشاءالله لاتعد و لا تحصی و بی حساب و شمار داریم! اگر آن وقت.... مستبد در دارالحکومه آقایان داشتیم امروز در..... داریم! اگر آن وقت یکی دو نفر سرکش در تمام مملکت به هم می‌رسید امروز هرکس قلدری و گردن کلفتی می‌داند برای خود حکومت و ریاست می‌کند- از این تطویلات مبرهن گردید که به هیچ‌وجه رفع ظلم و استبداد نشده فقط نقل و تحویل دست داده» (روح‌القدس، شماره بیستم، ۱۳ صفر ۱۳۲۶ هجری قمری، صص ۳-۴)

روح‌القدس برای مقابله با بی‌نظمی و هرج و مرج ناشی از انقلاب مشروطیت، پیشنهاد می‌کند: «...حالا به بینیم اگر بخواهیم رفع این همه ظلم و استبداد که ما را احاطه نموده بنماییم تکلیف ما ملت چیست و باید چطور خودمان را از چنگ این یک مشت مستبد ظالم خلاص و رها کنیم [۱]، چاره منحصر به یک امر است که از امروز فرد فرد ما خود را مهیا برای قلع‌وقمع این ماده خبیثه نمائیم و فرق میان مکلا و معمم نگذاریم- وکلای خودمان را آنی فارغ نگذاشته [۲]، عوض موقوف‌کردن بستنی‌فروشی و مذاکرات لاطائل [۳]، وضع قوانین را که از وظائف حتمیه آنها است بخواهیم و قوه مجریه را نیز مجبور به اجرای آن کنیم که نجات مملکت و آسایش ملت و رفع ظلم و استبداد بسته به همین امر است، غیرازاین ممکن نیست از دست این ظالمین و خائنین خلاص شویم و از این ورطه هولناک نجات یابیم...» (روح‌القدس، شماره بیستم، ۱۳ صفر ۱۳۲۶ هجری قمری، ص ۴).

اگرچه روح‌القدس با بی‌نظمی و ناامنی ناشی از انقلاب مشروطیت مخالف بود، ولی این روزنامه با اتخاذ مواضعی تند ضد شاه و ارکان قدرت، خود در این بی‌نظمی سهم مهمی داشت. این روزنامه در سرمقاله «نطق غیبی یا اشاره لاریبی» که در شماره سیزدهم به چاپ رسید، می‌نویسد: «دور سلطنت که به ناصرالدین‌شاه رسید، ورق برگشت، ستاره بدبختی ملت طالع

شد. جماعت تن‌پرور پست‌فطرت بی‌شرف معاون قوه باطنی سلطان شدند [۱]، رذالت ذاتی را ظاهر ساختند [۱]، دست تعدی به ودائع پروردگار گشودند [۱]، جان و مال ملت مظلومه را قسمت کردند- ابتدا جهت تحصیل پارک و کالسکه و مبل اطلاق مثل دزدان اموال ملت را به غارت بردند و قطعه‌قطعه خانمان رعیت را به اجانب فروختند... عاقبت سلطان المستبدین با رئیس الخائنین [۱] گرفتار آه ملت مظلومه شده هر دو هدف گلوله وطن‌پرست غیبی گشتند» (روح‌القدس، شماره سیزدهم، ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری، ص ۲). روزنامه به این ترتیب آشکار از قتل صدر اعظم میرزا علی اصغر اتابک حمایت می‌کند. او به علاوه به محمد علی شاه، عنوان «قصاب» می‌دهد: «...خوب است قدری از مستی سلطنت به هوش آمده [۱]، چشم باز کرده نظری به دولت خود و باقی دولت‌ها بنمایی- آیا تمام سلاطین عالم از وظیفه و شغل خود خارج شده مشغول قصابی گشته‌اند [۱]؟ یا تمام ملل عالم مثل ملت بخت برگشته ایران اسیر ظلم و شهوات نفسانی پادشاه خود هستند [۱]؟ ندانم چه باعث شده که تمام ممالک رو به آبادی و وسعت خاک و ازدیاد نفوس‌اند [۱]، جز ایران که هر سال و ماه قطعه‌ای از خاکش قسمت دیگران و نفوسش طعمه گرگان و آبادیش مبدل به خرابی می‌شود...» (روح‌القدس، شماره سیزدهم، ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری، ص ۲). او نه فقط به محمد علی شاه انتقاد، بلکه او را تهدید می‌کند: «...مگر ممکن نیست که داستان لویی شانزدهم در این مملکت اتفاق بیفتد؛ زیرا که (إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ). سر شب سر قتل و تاراج داشت سحرگه نه تن سر نه سر تاج داشت. مگر یقین نکرده که از خون فدایی نمره (۴۱) فدایی بزرگ‌تر برای بزرگ‌تر از کار آن فدایی تولیدشده و منتظر اتمام حجت است.» (روح‌القدس، شماره سیزدهم، ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری، صص ۲-۳).

روح‌القدس مخالف سفر پادشاه به کشورهای غربی است. هزینه این سفرها اغلب با قرض از کشورهای خارجی تأمین می‌شد: «...در این قرن اخیر که ابتلا و فقر ایرانیان به درجه کمال رسیده است [۱]، در هر زمان هر سلطان که صاحب نذاکت طبیعت بوده و بوی جان‌فزای فرنگ را شنیده به اقتضای آتش شهوات طبیعت مایل به رفتن فرنگ گشته است» (روح‌القدس، شماره پانزدهم، ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۵ هجری قمری، ص ۲).

ب: صوراسرافیل

صوراسرافیل، نامدارترین و پرتیراژترین روزنامه ایران در دوره‌ای است که از صدور فرمان مشروطیت آغاز می‌شود و به کودتای محمدعلی شاه می‌انجامد. از این روزنامه، در جمع ۳۲

شماره از (هفدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری - نهم خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی - سی ام مه ۱۹۰۷ میلادی) تا (بیستم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری - سی ام خرداد ۱۲۸۷ خورشیدی - بیستم ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) به صورت هفتگی به چاپ رسید و آخرین شماره آن سه روز پیش از به توپ بستن مجلس توزیع شد. این نشریه با کوشش و فکر و قلم سه نفر منتشر می‌شد: میرزا قاسم خان تبریزی، میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوراسرافیل) و میرزا علی اکبر خان قزوینی معروف به دهخدا. (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۵). از یک‌سو نام روزنامه زمینه‌ای دینی داشت و از سوی دیگر سرلوحه (لوگوی) آن که تصویری از بیدار کردن مردگان است معرف رسالت بیدارگری روشنفکران ایرانی در سده نوزدهم است. در تصویر «صوراسرافیل» فرشته‌ای پارچه‌ای در دست دارد که بر آن نوشته شده «حریت، مساوات، اخوت» و این همان شعار معروف انقلاب کبیر فرانسه بود. (کسروی، ۱۳۵۷). صوراسرافیل با شمارگان پنج هزار نسخه، مردمی‌ترین نشریه ایرانی در آغاز تشکیل مجلس بود. شمارگان این روزنامه تا ۲۴ هزار نسخه (باری یر، ۱۳۶۳: ۳۸) نیز گزارش شده است، اما مهم‌تر از فروش، شدت و دایره نفوذ آن در میان مردم است. صوراسرافیل در مکان‌های عمومی مثل قهوه‌خانه‌ها برای بی‌سوادان خوانده می‌شد و در برخی مناطق کشور بهترین سوغاتی به شمار می‌آمد (درودیان، ۱۳۷۸: ۱۳۸) و توسط برخی تهیدستان برای ثواب خریداری می‌گردید (دبیرسیاکی، ۱۳۶۴: ۳۳۰)

در همان شماره اول نشریه صوراسرافیل که در حدود نه ماه پس از صدور فرمان مشروطیت انتشار یافت، در مقاله‌ای تحت عنوان «مسئولیت قلم»، نویسنده درحالی‌که کرام‌الکاتبین (فرشتگان ثبت‌کننده اعمال آدمی)، «وجدان طبیعی و ضمیر انسانی» و «نفوس یک مملکت و روح یک ملت با هزاران چشم» را ناظر بر اعمال و نوشته‌های خود و خویشان را در برابر تاریخ «که رئیس هیئت تفتیش عالم و ثبات اعمال ابنای دهر است» مسئول می‌داند، با دیو سیاه مهیبی مواجه می‌شود که می‌گوید: «اسمم اداره پوسیده انطباعاتست و من هم در این کار دخالت دارم. اولاً شیرینی ما را بده، ثانیاً باید من هم تفتیش کنم و پیش من مسئول باشی!» (صوراسرافیل، شماره اول، ص ۴). او برای دفع آن دیو که به مدت ۲۵ سال، ناظر بر کار مطبوعات بوده، دست به دامن اسرافیل و عزرائیل می‌شود. صوراسرافیل ۳۲ شماره منتشر شد و میرزا جهانگیرخان سه روز پس از انتشار آخرین شماره، در جریان به توپ بستن مجلس دستگیر و در همان روز اعدام گردید. بعد از اعدام میرزا جهانگیرخان در باغ شاه تهران (۱۳۲۶)

هجری قمری) و فرار دهخدا به سوئیس، سه شماره از این روزنامه نیز در آنجا انتشار یافت و از آن پس برای همیشه تعطیل گردید (کهن، ۱۳۶۲: ۱۳۶).

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در روزنامه صوراسرافیل، مطالب روزنامه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: (۱) بیان ویژگی‌ها و وضعیت نظام مشروطه و دفاع از مجلس شورای ملی؛ (۲) بیان اقدامات و توطئه‌های مخالفان مشروطه و عوامل وابسته به استبداد علیه نظام مشروطه. هدف روزنامه در سرمقاله اولین شماره آن چنین بیان شده است: «حمد خدای را که ما ایرانیان ذلت و رقیب خود را احساس کرده و فهمیدیم که باید بیش از این بنده عمر [او] زید و مملوک این و آن نباشیم؛ و دانستیم که تا قیامت بارکش خویش و بیگانه نباید بود. لهذا با یک جنبش مردانه در چهاردهم جمادی الاخر سال ۱۳۲۴ هجری قمری مملکت خویش را مشروطه و دارای مجلس شواری ملی (پارلمان) نموده و به همت غیورانه برادران محترم آذربایجان ما در بیست و هفتم ذی حجه ۱۳۲۴ دولت علیه ایران رسماً در عداد دول مشروطه صاحب (کنستی توسیون) قرار گرفت... ما نیز با عدم لیاقت و بضاعت مزجات قلم برداشته که به خواست خدا شاید بتوانیم به دین و دولت و وطن و ملت خود خدمتی کنیم.» (صوراسرافیل، ش ۱، ص ۱ و ۲). اهداف روزنامه در همین شماره به ترتیب زیر تعیین می‌شود: (۱) تکمیل معنی مشروطیت؛ (۲) دوم- حمایت مجلس شواری ملی؛ (۳) معاونت روستاییان و ضعفا و فقرا و مظلومین.

تحلیل محتوای روزنامه‌ها

الف: تحلیل محتوای روزنامه روح‌القدس

روزنامه روح‌القدس در فاصله زمانی ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ تا ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ (۱۲) مرداد ۱۲۸۶ تا ۲۷ خرداد ۱۲۸۷ (۵) اوت ۱۹۰۷ تا ۱۷ ژوئن ۱۹۰۸، در کمتر از یک سال، تعداد ۲۸ شماره منتشر شد. تعداد کل صفحات این مجموعه ۱۱۲ صفحه هست. تمام مطالب این روزنامه را می‌توان در یک بررسی کلی به ۵ بخش اصلی تقسیم و ارزیابی کرد که میان آن‌ها ما دو بخش سرمقاله‌ها و مقاله‌ها را بررسی می‌کنیم.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی ساختار کلی سبک مطالب روزنامه روح‌القدس

ردیف	ساختار سبک مطالب	تعداد	درصد
۱	سرمقاله	۱۳	٪۱۶
۲	مقاله	۳۰	٪۳۷
۳	مکتوب	۱۵	۱۸/۵
۴	روح‌القدس ^۱	۱۵	۱۸/۵
۵	اعلان‌ها	۸	٪۱۰
	جمع کل	۸۱	٪۱۰۰

سرمقاله‌ها

برای سهولت تحلیل محتوای این نشریه، سرمقاله‌های تمامی ۲۸ شماره نشریه روح‌القدس مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به زمان انتشار روزنامه‌های مورد بررسی که هنوز مفهوم سرمقاله به شیوه امروزه مرسوم نبوده است، برای تشخیص سرمقاله از سایر مقالات از معیارهای زیر استفاده شد: هر مطلبی که ادامه‌دار نبوده و به طرح دیدگاه‌های صاحبان نشریه بپردازد و در دو ستون اول صفحه اول نشریه چاپ شده باشد، سرمقاله محسوب می‌شود. به این ترتیب سرمقاله از خبر، گزارش و سایر سبک‌های روزنامه‌نگاری جدا می‌گردد. چهار ساختار در این تحقیق برای بررسی سرمقاله‌ها در نظر گرفته شده است: (۱) موضوع سرمقاله‌ها؛ (۲) اهداف سرمقاله‌ها؛ جهت‌گیری سرمقاله‌ها؛ (۴) جهت انتقادی سرمقاله‌ها. این موضوعات در قالب جداول زیر بررسی می‌کنیم.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی ساختار موضوعی سرمقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	ساختار موضوع سرمقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	سیاسی	۱۳	٪۱۰۰
۲	اجتماعی	----	----
۳	مذهبی	----	---
	جمع کل	۱۳	٪۱۰۰

همانطور که در جدول شماره ۲، مشاهده می‌شود، با توجه به شاخص موضوعی ۲۸ شماره نشریه روح‌القدس ۱۳ شماره دارای سرمقاله و ۱۵ شماره فاقد سرمقاله بوده‌اند. موضوع این ۱۳ سرمقاله سیاسی است، در حالیکه موضوعات دیگر اجتماعی و مذهبی در سرمقاله‌ها وجود ندارد که این خود دلیلی بر سیاسی و انتقادی بودن روزنامه هست.

۱. نظرات تکمیلی، تحلیلی و انتقادی روح‌القدس پیرامون محتوای مطالب مکتوب‌های ارسال شده به روزنامه روح‌القدس

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی ساختار اهداف سرمقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	ساختار اهداف سرمقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	نقد نظام سیاسی	۷	۵۳/۸۴
۲	تشویق مردم به مشارکت	۲	۱۵/۳۹
۳	تنویر افکار عمومی	۴	۳۰/۷۷
۴	نصیحت به پادشاه	-----	-----
۵	تبلیغ برای اصلاحات داخلی	-----	-----
	جمع کل	۱۳	٪۱۰۰

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مطالب روزنامه به نقد سیاسی تعلق دارد. البته شش مورد نیز به تشویق مردم به مشارکت و تنویر افکار عمومی اختصاص دارد.

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی جهت‌گیری سرمقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	جهت‌گیری سرمقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	انتقادی	۷	٪۵۳/۸
۲	خنثی	-----	-----
۳	تأییدی	۶	۴۶/۲
	جمع کل	۱۳	٪۱۰۰

موضوع جدول شماره ۴ جهت‌گیری سرمقاله‌ها است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقالات عمدتاً جهت‌گیری انتقاد دارند، در حالی که جهت‌گیری تأییدی نیز کم نیست.

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی جهت انتقادی سرمقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	جهت انتقادی سرمقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	شخص شاه	۱	۱۴/۳
۲	وزرا	۴	۵۷/۱
۳	درباریان و عوامل وابسته به استبداد	-----	-----
۴	وزرا- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۱	۱۴/۳
۵	شاه-وزرا- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۱	۱۴/۳
۶	حامیان و مروجین اسلام	-----	-----
۷	چهل و خرافه پرستی و کهنه‌پرستی مردم	-----	-----
۸	مجلس، وکلای ملت	-----	-----
	جمع کل	۷	٪۱۰۰

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که جهت انتقادی سرمقاله‌های روزنامه، بیشتر شامل وزرا مخصوصاً شخص میرزاعلی اصغر خان اتابک (رئیس‌الوزرا) بوده و روزنامه در سرمقاله‌هایش بیش از سایر موارد به انتقاد از هیئت وزرا پرداخته است.

مقاله‌ها

مقاله، یکی دیگر از سبک‌های نوشتاری که در روزنامه روح‌القدس از آن استفاده گردیده است. برای بررسی مقاله‌ها نیز از همان چهار شاخص موضوعی، اهداف، نقادی و انتقادی استفاده شد.

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی ساختار موضوعی مقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	ساختار موضوع مقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	سیاسی	۲۷	۹۰٪
۲	بهداشتی	۱	۳/۳
۳	مذهبی سیاسی	۲	۶/۷
	جمع کل	۳۰	۱۰۰٪

همان‌طور که جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، از تعداد ۳۰ مقاله‌ای که در روزنامه روح‌القدس به چاپ رسیده است، تعداد ۲۷ مقاله یعنی ۹۰ درصد مقالات دارای موضوع سیاسی می‌باشند و فقط یک مقاله بهداشتی و ۲ مقاله سیاسی مذهبی در این روزنامه دیده می‌شود که این باز هم نشان‌دهنده سیاسی و انتقادی بودن خط‌مشی و اهداف روزنامه هست.

جدول شماره ۷- توزیع فراوانی ساختار اهداف مقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	ساختار اهداف مقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	نقد نظام سیاسی	۲۲	۷۳/۳۳
۲	ایجاد حالت مشارکت	-----	-----
۳	توصیه و آگاهی افکار عمومی	۸	۲۶/۶۷
۴	نصیحت به پادشاه	-----	-----
۵	اصلاح امور داخلی مملکت	-----	-----
	جمع کل	۳۰	۱۰۰٪

همچنین جدول شماره ۷ نیز مبین این واقعیت است که ۷۳/۳۳ درصد از مقاله‌های روح‌القدس، با هدف نقد نظام سیاسی نوشته شده است و مقاله‌هایی که باهدف توصیه و آگاهی افکار عمومی در روزنامه درج شده است فقط ۲۶/۶۷ درصد است.

جدول شماره ۸- توزیع فراوانی جهت‌گیری مقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	جهت‌گیری مقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	انتقادی	۲۲	٪۱۰۰
۲	خنثی	-----	-----
۳	تابیدی	-----	-----
	جمع کل	۲۲	٪۱۰۰

جدول شماره ۸ جهت‌گیری مقاله‌های روح‌القدس در زمینه انتقاد از نظام سیاسی را نشان می‌دهد، بنابراین جهت‌گیری‌های انتقادی در روزنامه، بیش از آنکه تابیدی یا خنثی باشد، انتقادی هست.

جدول شماره ۹- توزیع فراوانی جهت انتقادی مقاله‌ها در روزنامه روح‌القدس

ردیف	جهت انتقادی مقاله‌ها	تعداد	درصد
۱	شخص شاه	۳	۱۳/۷
۲	وزرا	۳	۱۳/۷
۳	درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۱۱	۵۰
۴	وزرا- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۲	۹/۱
۵	شاه- وزرا- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۱	۴/۵
۶	حامیان و مروجین اسلام	۱	۴/۵
۷	مجلس، وکلای ملت	۱	۴/۵
۸	قدرت‌های خارجی (روس و انگلیس)	-----	-----
	جمع کل	۲۲	٪۱۰۰

بالآخره جدول شماره ۹ نشان‌دهنده این است که تعداد ۱۱ مقاله یعنی ۵۰ درصد از مقاله‌ها، جهت انتقادی آن‌ها شامل درباریان و عوامل وابسته به استبداد هست و روزنامه بیش از سایر موارد به عوامل وابسته به استبداد که در تهران و سایر شهرهای ایران علیه مشروطه و مشروطه خواهان توطئه و فعالیت می‌کردند، پرداخته است.

ب: تحلیل محتوای روزنامه صوراسرافیل

روزنامه صوراسرافیل از تاریخ ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ تا ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ (۹ خرداد ۱۲۸۶ تا ۳۰ خرداد ۱۲۸۷) (۳۰ مه ۱۹۰۷ میلادی تا ۲۰ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) در یک سال، تعداد ۳۲ شماره منتشر شد. تمام مطالب این روزنامه را می‌توان در یک بررسی کلی به سه بخش اصلی سرمقاله‌ها، مقاله‌ها و چرند و پرند تقسیم و ارزیابی کرد.

جدول شماره ۱۰- توزیع فراوانی ساختار کلی سبک مطالب روزنامه صوراسرافیل

ردیف	ساختار سبک مطالب	تعداد	درصد
۱	سرمقاله	۱۲	۱۶/۵٪
۲	مقاله	۳۲	۴۳/۸٪
۳	چرند پرند	۲۹	۳۹/۷٪
	جمع کل	۷۳	۱۰۰٪

بررسی ۳۲ شماره نشریه صوراسرافیل نشان می‌دهد که تعداد ۱۲ شماره دارای سرمقاله و تعداد ۳۲ شماره دارای مقاله و تعداد ۲۹ شماره هم دارای مقاله‌های چرند پرند بوده‌اند.

جدول شماره ۱۱- توزیع فراوانی ساختار موضوعی مطالب صوراسرافیل

ساختار موضوعی مطالب		سرمقاله		مقاله		چرند پرند	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۵	۴۱/۷٪	۱۹	۵۹/۴٪	۱۶	۵۶٪		
		۱	۳/۱٪	۵	۱۷٪		
				۸	۲۵٪		
						۷	۲۴٪
۶	۵۰٪			۱	۳٪		
۱	۸/۳٪	۴	۱۲/۵٪				
۱۲	۱۰۰٪	۳۲	۱۰۰٪	۲۹	۱۰۰٪		

اطلاعات مربوط به ساختار موضوعی مطالب این روزنامه در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در این روزنامه تعداد ۱۲ سرمقاله به چاپ رسیده و ۵۰ درصد سرمقاله‌های نوشته‌شده در روزنامه به موضوع اجتماعی، مذهبی اختصاص داده شده است.

جدول شماره ۱۲- توزیع فراوانی ساختار اهداف مطالب صوراسرافیل

چرند پرند		مقاله		سرمقاله		ساختار اهداف مطالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۸/۶	۱۷	۵۹/۴	۱۹	۳۳/۳	۴	نقد نظام سیاسی
---	---	۶/۲۵	۲	۱۶/۷	۲	ترغیب مردم به مشارکت
۳۴/۴	۱۰	۲۵/۱	۸	---	---	توصیه و آگاهی افکار عمومی
۶/۶	۲	۶/۲۵	۲	۴۱/۷	۵	نقد جهل و خرافه‌پرستی مردم
---	---	۳/۱	۱	۸/۳	۱	نصیحت به پادشاه
۱۰۰٪	۲۹	۱۰۰٪	۳۲	۱۰۰٪	۱۲	جمع کل

با توجه به جدول شماره ۱۲ می‌توان گفت که نقد نظام سیاسی، بیش از سایر موارد، هدف موردبحث مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند بوده است به‌گونه‌ای که ۵۹/۴ درصد مقاله‌ها و ۵۸/۶ درصد از مقاله‌های چرند پرند، ساختار اهدافشان مربوط به نقد نظام سیاسی بوده است.

جدول شماره ۱۳- توزیع فراوانی جهت انتقادی مطالب صوراسرافیل

چرند پرند		مقاله		سرمقاله		جهت انتقادی مطالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
---	---	۴/۸	۱	---	---	شخص شاه
---	---	۹/۵۲	۲	۱۱/۱	۱	وزرا
۷۲/۵	۱۴	۴۷/۶	۱۰	۳۳/۴	۳	درباریان و عوامل وابسته به استبداد
۵/۵	۱	۹/۵۲	۲	---	---	وزرا-درباریان و عوامل وابسته به استبداد
۵/۵	۱	۹/۵۲	۲	---	---	شاه-وزرا-درباریان و عوامل وابسته به استبداد
۱۱٪	۲	۹/۵۲	۲	۵۵/۵	۵	جهل و خرافه‌پرستی مردم
---	---	۹/۵۲	۲	---	---	حامیان و مروجین اسلام
۵/۵	۱	---	---	---	---	مجلس، وکلای ملت
۱۰۰٪	۱۹	۱۰۰٪	۲۱	۱۰۰٪	۹	جمع کل

با توجه به جدول شماره ۱۳ می‌توان نتیجه گرفت جهت انتقادی سرمقاله‌های صوراسرافیل بیشتر شامل جهل و خرافه‌پرستی مردم بوده و روزنامه در سرمقاله‌هایش بیش از سایر موارد به انتقاد از آن پرداخته است و انتقاد از درباریان و عوامل وابسته به استبداد و وزرا در رده‌های بعدی قرار دارد. ولی در مقابل جهت انتقادی مقاله‌ها و مقاله‌های چرند پرند بیشتر شامل درباریان و عوامل وابسته به استبداد می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی دوره‌ی مشروطیت یا دوره‌ی مشروطیت اول که از پیروزی مشروطیت آغاز می‌شود و با کودتای محمدعلی شاه قاجار به پایان می‌رسد با دیگر دوره‌های عصر قاجار تفاوت دارد. پیروزی مشروطیت چهره ایران را برای همیشه دگرگون ساخت. تشکیل مجلس قانون‌گذاری و برقراری آزادی، بزرگ‌ترین نتیجه آن بود. لذا این شرایط برای شکوفایی نشریات آزاد و مستقل مناسب بود. پیدایش روزنامه‌های مستقل، مشخصه اصلی این دوران بود. این روزنامه‌ها بسیاری از مفاهیم سیاسی و اجتماعی را به جامعه معرفی کردند و بسیاری از این مفاهیم حتی در اسامی روزنامه‌ها منعکس می‌شد. این مسئله بیانگر دگرگونی در شرایط آن زمان است زیرا تا پیش از پیروزی انقلاب نمی‌شد به راحتی درباره‌ی آن مفاهیم سخنی به میان آورد. روزنامه‌هایی به نام ترقی، بیداری، اتحاد، مساوات، ندای وطن و صوراسرافیل از جمله نشریات متداول آن زمان بودند. این دگرگونی‌ها حداقل دو دلیل داشت. اول تلاش فوق‌العاده روشنفکران ایرانی در معرفی مفاهیم جدید سیاسی به کشور بود که باعث شد آن‌ها به خوبی فهمیده شوند و توسط اکثریت مردم پذیرفته گردند. دوم اینکه پیروزی انقلاب باعث ایجاد یک محیط دموکراتیک گردید به نحوی که پس از سال‌ها سکوت تحمیلی، روشنفکران ایرانی برای به زبان آوردن آموخته‌های سیاسی تازه‌ی خود به مطبوعات متوسل شدند. در چنین محیطی روزنامه‌های روح‌القدس و صوراسرافیل پا به عرصه‌ی فعالیت گذاشتند و با استفاده از فرصت کوتاه انقلاب برای بیان آزاد اندیشه‌های خود، نظام حکومتی و استبدادی را به چالش کشیدند. اگر در زمان ناصرالدین‌شاه، ذکر فعالیت‌های حکومت و تمجید از عوامل وابسته به حکومت مهم‌ترین بخش کار مطبوعات را تشکیل می‌داد، با فرارسیدن عصر مشروطیت این شرایط کاملاً تغییر کرد. طی این دوره زبان نوشتاری مطبوعات دگرگون شد تا بدان‌گونه که توانستند از دولت انتقاد کنند و مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی را بازگو نمایند. در این میان، روزنامه

انتقادی روح‌القدس نسبت به سایر مطبوعات، بی‌پروا و شجاعانه وضعیت نابسامان مملکت را مورد نکوهش و انتقاد قرار می‌داد.

بررسی تطبیقی مطالب این دو روزنامه، به خصوص سرمقاله‌ها و مقاله‌های آن‌ها، نشان می‌دهد که روزنامه نگاری در ایران در این عصر هنوز در آغاز راه است. این دو روزنامه در واقع نقش مخالف حکومت و حزب سیاسی را ایفاء می‌کنند، به طوری که مقاله‌ها و سرمقاله‌های آن‌ها از داوری‌های ارزشی و جانبدارانه پر است. آن‌ها حتی از تهدید مخالف خود خودداری نمی‌کنند و خود را پرچمدار نهضت مشروطیت تلقی می‌کنند. این نشان می‌دهد که میان روزنامه نگاری حرفه‌ای و آنچه در ایران به روزنامه نگاری موسوم است، چه شکاف عمیقی وجود دارد، شکافی که هنوز پر نشده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۹)؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- باری یر، ج (۱۳۶۳)، اقتصاد ایران، تهران: موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی ایران.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۷). «تحلیل محتوای مطالب ۱۰ روزنامه تهران». رسانه، شماره ۹: ۳۳-۲۲.
- براون، ادوارد (۱۳۸۶)؛ تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: نشر علم.
- بشیر، حسن (۱۳۸۸)؛ نقش مطبوعات در فرایند نوسازی سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجاریه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹). «غیرسازی در نشریات حزبی». رسانه، شماره ۱۱: ۳۱-۲۲.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)؛ تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۱)؛ قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: انتشارات طرح نو.
- دبیر سیاقی، سید محمد (۱۳۶۴)، مقالات دهخدا، تهران: انتشارات تیراژه.
- درودیان، ولی الله (۱۳۷۸)، دخوی نابغه، تهران، گل آقا.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۵)؛ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راسخ، کرامت اله (بهار و تابستان، ۱۳۹۸)، «میرزا صالح شیرازی و سنت‌گرایی بازتابی»، **مطالعات ایرانی (دانشگاه کرمان)**، شماره ۳۵، ۶۷-۹۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)؛ جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)؛ تاریخ جراید و مجلات ایران. (ج ۲)، اصفهان: انتشارات کمال.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۷). «روزنامه مجلس، اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت». گنجینه اسناد، شماره ۱۸، ۵۰-۳۵.
- قاسمی، فرید (۱۳۸۰)؛ مطبوعات ایران در قرن بیستم، تهران: نشر قصه.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۴)؛ نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران، تهران: نشر اختران.
- قاضی‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۷۹)؛ جان‌باختگان روزنامه‌نگار، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- کرپیندورف، کلوز (۱۳۸۳)؛ تحلیل محتوا، ترجمه: هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
- کسروی، احمد (۱۳۵۷)؛ تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- کهن، گوئل (۱۳۶۲)؛ تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، (ج ۲)، تهران: انتشارات آگاه.
- گلبن، محمد (۱۳۶۳)؛ مجموعه روزنامه روح‌القدس، تهران: نشر چشمه.

- لرنر، دانیل (۱۳۸۳)؛ گذر جامعه سنتی، ترجمه: غلام رضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵)؛ انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مصطفوی، فرحناز (۱۳۹۵)؛ مبانی ارتباطات و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۶)؛ وسایل ارتباط جمعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- معتمد نژاد، کاظم (۲۵۳۶)؛ روش تحقیق در محتوای مطبوعات، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۶)؛ وسایل ارتباط جمعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۲)؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: نشر علمی.
- مولانا، حمید (۱۳۵۸)؛ سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۲)؛ دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه: جمال محمدی، تهران: نشر افکار.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۶)؛ صوراسرافیل، نامه آزادی، تهران: نشر نی.
- ب: روزنامه‌ها
- روزنامه صوراسرافیل (تهران ۱۳۲۵-۱۳۲۶ هجری قمری) از شماره ۱ تا ۳۲.
- روزنامه روح‌القدس (تهران ۱۳۲۵-۱۳۲۶ هجری قمری) از شماره ۱ تا ۲۸.
- Abrahamian, Yervand (2010); *Iran between two revolutions*, translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fatahi, Tehran: Ney Publishing.
- Bari Yer, J. (1984), *Iran's Economy*, Tehran: Audit Institute of National Industries Organization of Iran.
- Badiei, Naeem (1998). "Content Analysis of 10 Tehran Newspapers". *Rasaneh*, No.9: 22-33.
- Browne, Edward (2007); *History of Iran's press and literature in the period of constitutionalism*, translated by Mohammad Abbasi, Tehran: Alam Publishing.
- Bashir, Hassan (2009); *The role of the press in the process of political and social modernization of Iran during the Qajar period*, Tehran: Imam Sadegh University Press.
- Bahrapur, Shaban Ali (2000). "Nervization in party publications". *Rasane*, No. 11: 22-31.
- Parveen, Naseruddin (1998); *Journalism history of Iranians and other Persian writers*, Tehran: University Publishing Center.
- Khaniki, Hadi (2002); *Power, civil society and the press*, Tehran: New Design Publications.
- Debir Siyaghi, Seyyed Mohammad (1985), *Dehkhoda Articles*, Tehran: Tiraje Publications.
- Drodian, Valiullah (1999), *Dakhoi Nabaghe*, Tehran, Gol Agha.

- Zakir Hossein, Abdur Rahim (1996); Iran's political press in the era of constitutionalism, Tehran: Tehran University Press.
- Rasakh, Karamat Elah (Spring and Summer, 2018), "Mirza Saleh Shirazi and Reflexive Traditionalism", Iranian Studies (Kerman University), No. 35, 67-93.
- Sarukhani, Baqir (2012); Sociology of Communication, Tehran: Information Publications.
- Sadrhashmi, Mohammad (1984); History of Iranian newspapers and magazines. (Vol. 2), Isfahan: Kamal Publications.
- Fedai, Gholamreza (2008). "Majles newspaper, the first national newspaper of the constitutional era". Treasure of Documents, No. 18, 35-50.
- Ghasemi, Farid (2010); Iranian press in the 20th century, Tehran: Eshar Qaseh.
- Ghazi Moradi, Hassan (2004); Political modernization in Iran's constitutional era, Tehran: Akhtaran Publishing House.
- Ghazizadeh, Ali Akbar (2000), Journalists' deaths, Tehran: Jamia Iranian Publications.
- Krippendorff, Klaus (2013); Content analysis, translation: Hoshang Naibi, Tehran: Ney Publishing.
- Kasravi, Ahmed (1978); Iran's Constitutional History, Tehran: Amirkabir Publications, fifth edition.
- Kohn, Goel (1983); History of Censorship in Iranian Press, (Vol. 2), Tehran: Aghat Publications.
- Golban, Mohammad (1984); Ruh al-Qudos newspaper collection, Tehran: Cheshmeh Publishing.
- Lerner, Daniel (2004); The transition of traditional society, translated by: Gholamreza Khaje Sarvi, Tehran: Strategic Studies Research Institute.
- Mohsenian Rad, Mehdi (1996); Revolution, Press and Values, Tehran: Islamic Revolution Cultural Documents Organization.
- Mostafavi, Farhanaz (2015); Basics of Communication and Development, Tehran: Payam Noor University Press.
- Motamed Nejad, Kazem (2006); Mass communication tools, Tehran: Allameh Tabatabai University Press.
- Motamed Nejad, Kazem (1977); Research method in press content, Tehran: Publications of Faculty of Social Communication Sciences.
- Motamed Nejad, Kazem (2006); Mass communication tools, Tehran: Allameh Tabatabai University Press.
- Malekzadeh, Mehdi (1979); History of Iran's Constitutional Revolution, Tehran: Scientific Publication.
- Molana, Hamid (1979); The course of social communication in Iran, Tehran: Publications of the Faculty of Social Communication Sciences.
- Habermas, Jürgen (2012); Structural transformation of the public sphere, translation: Jamal Mohammadi, Tehran: Afkar.
- Yazdani, Sohrab (2007); Sorasarafil, Nameh Azadi, Tehran: Nei Publishing.
- Soresarafil newspaper (Tehran 1907-1908 AH) from number 1 to 32.
- Ruh al-Qudos newspaper (Tehran 1907-1908 AH) from number 1 to 28.